

نویسنده: میخایل هاگر «Michael Hager» .
منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ «2024-06-10» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

همدستی در نسل‌کشی

Complicity in Genocide



عکس توسط ناتانیل سنت کلر

با یافته‌های احتمالی جنایات جنگی و نسل‌کشی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) علیه اسرائیل؛ و حکم بازداشت دو تن از اعضای کا‌بینه جنگی اسرائیل توسط دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، ممکن است زمان بررسی مسئولیت‌های احتمالی دولت و طرف‌هایی باشد که به اسرائیل در جنگ با غزه کمک کرده‌اند و از آنها حمایت کرده‌اند. قوانین حاکم چیست؟ نهادهای حقوقی بین‌المللی چگونه به همدستی در سایر موارد نسل‌کشی پرداخته‌اند؟ آیا مفاد همدستی می‌تواند برای ایالات متحده و رهبران آن برای کمک به اسرائیل در جنگ غزه که جان هزاران غیرنظامی را به همراه داشته است، اعمال شود؟

کنوانسیون 1948 در مورد پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، نسل‌کشی را شامل کشتن اعضای یک «گروه ملی، قومی یا مذهبی» (به قصد نابودی، به طور کلی یا جزئی) تعریف می‌کند. این جرم شامل «اعمال عمدی شرایط زندگی گروهی است که برای تخریب فیزیکی کلی یا جزئی آن محاسبه شده است». رای موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در ژانویه گذشته در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل، ادعا کرد که ادعای نسل‌کشی در غزه "قابل قبول" است. در حالی که قانون نسل‌کشی مبتنی بر «قصد» است، مشارکت در نسل‌کشی چنین الزامی ندارد. ماده چهارم کنوانسیون نسل‌کشی مقرر می‌دارد که «افراد مرتکب نسل‌کشی» (یا همدستی در نسل‌کشی) مجازات خواهند شد، خواه حاکمان مسئول قانون اساسی، مقامات دولتی یا افراد خصوصی باشند.

دادستان دیوان بین‌المللی کیفری اکنون به دنبال صدور حکم بازداشت برای دو تن از اعضای کابینه جنگ اسرائیل است که گفته می‌شود در جنگ غزه مرتکب جنایات جنگی شده‌اند. هم دیوان کیفری بین‌المللی و هم دیوان بین‌المللی دادگستری، مشارکت در نسل‌کشی را طبق قوانین بین‌المللی جرم می‌دانند. دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به افراد را دارد، در حالی که دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند پرونده‌هایی را علیه افراد و دولت‌ها بپزد یا تشکیل دهد.

قوانین ایالات متحده نیز نسل‌کشی را محکوم می‌کند. در بخش «1091» قانون ایالات متحده ("جرم اساسی") زبانی مشابه به تعریف کنوانسیون نسل‌کشی از نسل‌کشی وجود دارد. اگرچه هیچ اشاره‌ای به «همدستی» نشده است، قانون دارای بخشی با عنوان «جرم تحریک» است. این قانون مقرر می‌دارد که «هرکس دیگری را مستقیماً و علناً به ارتکاب یک جرم نسل‌کشی تحریک کند، نباید بیش از 500000 دلار جریمه شود یا حداکثر پنج سال یا هر دو زندانی شود».

کنوانسیون نسل‌کشی، ماده پنجم، طرف‌های متعاقد را ملزم می‌کند که «مجازات مؤثری برای افراد مجرم نسل‌کشی در نظر بگیرند». ماده هشتم به «هر طرف متعاقد» اجازه می‌دهد تا «از ارگان‌های ذیصلاح سازمان ملل متحد بخواهد تا اقداماتی را علیه دولت‌هایی که تحت منشور سازمان ملل متحد می‌دانند برای پیشگیری و سرکوب اقدامات نسل‌کشی مناسب می‌دانند، انجام دهند».

با موضوع همدستی در سایر پرونده‌های نسل‌کشی چگونه برخورد شده است؟ دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا بسیاری از افراد از جمله مقامات دولتی و افسران نظامی را به اتهام همدستی در نسل‌کشی سال 1994 محکوم کرد. پس از نسل‌کشی بوسنی در سال‌های 1992-1995، تعدادی از رهبران ارشد سیاسی و نظامی به اتهام همدستی در نسل‌کشی محکوم شدند. دیوان بین‌المللی دادگستری صربستان را مسئول ناتوانی در جلوگیری از نسل‌کشی بوسنی دانست. نسل‌کشی کامبوج در سال‌های 1975-1979 منجر به محکومیت رهبران ارشد رژیم خمرهای سرخ شد.

افرادی که به جرم همدستی در نسل‌کشی یا پرونده‌های مرتبط محکوم شده‌اند، از جمله رهبران ارشد هستند. به عنوان مثال، رئیس‌جمهور سابق لیبریا، چارلز تی‌لور، توسط دادگاه ویژه سیرالئون به دلیل کمک و مشارکت در جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، اما نه به طور خاص نسل‌کشی، محکوم شد. نسل‌کشی مستلزم اثبات قصد تبعیض‌آمیز خاص است، در حالی که جنایات علیه بشریت فقط به اثبات یک قصد عمومی برای حمله به جمعیت غیرنظامی نیاز دارد.

در پرونده ICJ گامبیا علیه میا نمار، یک ادعای دولت به ایالت، دادگاه تمام دفاعیات میانمار را رد کرد و به پرونده اجازه داد تا به مرحله ماهوی ادامه دهد. اکنون سوال این است که آیا میانمار در رفتار خود با مردم روهینگیا کنوانسیون نسل‌کشی را نقض کرده است یا خیر. در حالی که این پرونده همچنان ادامه دارد، دیوان مجدداً این اصل را تأیید کرده است که همه دولت‌ها در پیشگیری و مجازات نسل‌کشی منافع مشترک دارند و هر دولتی می‌تواند علیه دولت دیگری به دلیل نقض ادعای کنوانسیون نسل‌کشی شکایت کند.

در مارس 2024، نیکار اگوئه دادرسی ICJ را برای اقدامات موقت علیه آلمان به دلیل همدستی در نسل‌کشی از طریق فروش تسلیحات به اسرائیل برای جنگش در غزه آغاز کرد. یک ماه بعد دادگاه علیه نیکار اگوئه حکم داد و دریافت که شرایط قانونی چنین اقداماتی برآورده نشده است. با این وجود، این پرونده نشان می‌دهد که دولت‌های طرفی که مستقیماً تحت تأثیر آسیب ادعایی قرار نگرفته‌اند، می‌توانند در دادگاه شکایت کنند. توانایی این دسته از طرفین برای ایستادن در برابر دادگاه مبتنی بر حق آنها برای اقدام در راستای منافع مشترک است.

در ایالات متحده، رئیس‌جمهور **بایدن** و دیگر مقامات دولت در یک دادخواست داخلی در حال انجام توسط مرکز حقوق اساسی به اتهام همدستی در نسل‌کشی به رهبری اسرائیل در غزه نام برده می‌شوند. یک دادگاه منطقه ای فدرال در کالیفرنیا این شکایت را به دلایل فنی رد کرد اما در مورد ماهیت آن تصمیمی نگرفت. این پرونده اکنون در دادگاه تجدیدنظر فدرال در حال تجدید نظر است. همانطور که دکتر ویلیام آ. شاباس، محقق برجسته حقوق بشر اشاره کرد، همدستی ایالات متحده در جنگ غزه با همدستی دولت صربستان در کشتار سربرنیتسا "شباهت‌های زیادی دارد".

در روزها و ماه‌های پس از کشتار حماس در اسرائیل در «7» اکتبر، **جو بایدن**، رئیس‌جمهور ایالات متحده (با همکاری نزدیک با **آنتونی بلینکن** وزیر امور خارجه و وزیر دفاع **لوید آستین**) قول کمک تسلیحاتی مداوم برای تلاش‌های جنگی اسرائیل را داد. ارتش اسرائیل از تهیه منظم بمب و موشک‌های ایالات متحده برای تسطیح ساختمان‌ها و کشتن غیرنظامیان فلسطینی (عمدتاً زنان و کودکان) استفاده کرده است. اگرچه بایدن اغلب خواستار کمک‌های بشردوستانه بیشتر شده و از اسرائیل خواسته است که از شدت حملات خود به مراکز جمعیتی بکاهد، اما به ارسال سلاح‌های مرگبار به اسرائیل ادامه داده است.

زمانی که زمان پاسخگویی فرا می‌رسد، **بایدن**، **بلینکن** و **آستین** ممکن است خود را متهم به همدستی در نسل‌کشی تحت دادگاه بین‌المللی کیفری، ICJ و/یا صلاحیت قضایی فدرال ایالات متحده ببینند.

سطری در مورد نویسنده این مقاله :

ال. مایکل هاگر یکی از بنیانگذاران و مدیرکل سابق سازمان حقوق توسعه بین‌المللی رم است.



ال. مایکل هاگر

----- **با تقدیم احترامات** «2024-06-12»